



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

آگهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته: ادیان و عرفان

عنوان

نقد و بررسی مبانی فلسفی و جامعه‌شناختی رویکرد تفسیری به دین و فرهنگ
(مطالعه موردی آرای کلیفورد گیرتز)

دانشجو: سمیه زارعی

استاد راهنما: دکتر مجتبی زروانی

استاد مشاور: دکتر قربان علمی

دکتر میلاد اعظمی‌مرام

داوران: دکتر بهزاد حمیدیه

زمان: یکشنبه ۱۴۰۲/۶/۲۶ ساعت ۱۰ تا ۱۲

مکان: دانشکده الهیات - سالن جلسات

چکیده:

موضوع و هدف پژوهش حاضر، بررسی بن‌مایه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی رویکرد تفسیری به فرهنگ و دین از رهگذر تحلیل آرای کلیفورد گیرتز - برجسته‌ترین نماینده رویکرد تفسیری - می‌باشد. همچنین رساله‌ای حاضر به این پرسش که زمینه‌های شکل‌گیری این رویکرد کدام است و هر یک از زمینه‌ها در شکل‌گیری و بسط انسان‌شناسی تفسیری چه سهمی داشته‌اند پرداخته و با نظر بر سیر تاریخی انسان‌شناسی، بستر تبلور رویکرد خاص انسان‌شناسی تفسیری در مطالعات انسان‌شناختی و دین‌شناختی را مورد تحلیل قرار داده و ضمن تحلیل کیفیت تأثیر شاخه‌های مذکور در شکل‌گیری انسان‌شناسی تفسیری، به چگونگی لنج یکپارچه، منجم و وحدانی این شاخه‌ها در انسان‌شناسی تفسیری اشاره می‌کند؛ به نحوی که وحدت ماهیت انسان‌شناسی تفسیری و شاخه‌های اساسی بستر شکل‌گیری آن تبیین گردد. ضرورت انجام این طرح در یافت منشأ و مبدأ و مقومات یکی از جدیدترین رویکردها در انسان‌شناسی دینی و به‌طور کلی دین‌پژوهی است. بررسی پارادایم‌ها و مفروضات فلسفی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی که رویکرد تفسیری در هوای آن، مطرح و قوام یافته و شناخت خاستگاه‌های این نوع نگاه به دین و فرهنگ با تأکید بر آرای کلیفورد گیرتز، افق روشنی برای فهم بهتر جایگاه این نظرات در دین‌پژوهی می‌شمارد. روش این نوشتار مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی و در مواردی تحلیل محتوایی است. در این رساله به آثار انسان‌شناسان تفسیری بالخصوص آثار گیرتز و نظرات دین‌شناسانه‌ی آنان رجوع شد و منشأ و جان‌مایه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی این تئوری‌ها مورد تأمل، تدقیق و تحلیل قرار گرفت. این رساله با جست‌وجو در اندیشه‌ی گیرتز، اصلی‌ترین مقومات رویکرد تفسیری را تقابل با رویکرد پوزیتیویستی، تأکید بر تأویل و معنا، تأکید بر فرهنگ و تعریف آن به‌مثابه متن و تأکید بر حضور در میدان تحقیق می‌داند. انسان‌شناسی تفسیری گیرتز با اینها بر منظر هرمنوتیکی و تکیه بر تأویل و معنا، در نقطه مقابل روش‌های پوزیتیویستی در علوم انسانی قرار گرفته که در این نوشتار ضمن بیان منظر دین‌شناسانه و مردم‌شناسانه گیرتز، به تبیین این عناصر هرمنوتیکی و ابتدای رویکرد گیرتز بر آن با محوریت اصلی‌ترین اندیشمندان هرمنوتیکی از قبیل شلایرماخر، دیلتای، هایدگر، گادامر و ریکور پرداخته شده است. در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که رویکرد انسان‌شناسانه و مردم‌شناسانه گیرتز در تأویل و معنا، مبتنی بر مقومات فلسفی و معرفت‌شناسانه هرمنوتیکی است. تأکید بر فرهنگ در این رویکرد متأثر از جریان‌های فکری موجود در حوزه‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فلسفی بوده است. تأکید گیرتز بر وجود درونی تجربه انسانی و روش‌های درونی و همچنین تقریب به تکرش بومیان یک فرهنگ در مطالعات دین‌شناسی و انسان‌شناسی و کیفیت تعریف فرهنگ به‌مثابه یک متن و همچنین شرایط، لوازم و شاخه‌های این تعریف وی به پشتوانه‌ی جامعه‌شناسی تفسیری و انسان‌شناسی مبتنی بر روش میدانی و هرمنوتیک فلسفی است.